یادداشت، حاشیه، نکته: کردگل

یادداشت،حاشیه،نکته:کردگل- Kord gol

کرد در زبان سنگسری به معنی‏"چوپان‏"است و"گل‏"دارای چند معنی‏ است که یکی از آن خدمهء گوسفندان می‏باشد اما تنها به هنگامی که همراه‏"کرد"به‏ کار رفته باشد،پس هردو واژه را با هم می‏توانیم‏"گروه شبانان‏"معنی کنیم.

در سالهای گذشته رابطهء"ارباب‏" arba?b و چوپانان سنگسری بسیار دوستانه‏ بود و بیشتر همدیگر را"بره‏" bareh یعنی برادر خطاب می‏کردند.همچنانکه گروه‏ شبانان در محافظت از گوسفندان ارباب خود تا سر حد فداکاری کوشش می‏کردند و به‏ ارباب خویش می‏بالیدند،اربابها نیز احترام چوپانان را کاملا مرعی می‏داشتند و بی‏ احترامی دیگران نسبت به آنان را هرگز تحمل نمی‏کردند.اگر چوپان کسی به هر دلیل‏ در هرجا مورد اهانت و تعدی قرار می‏گرفت،ارباب او بر خود فرض و واجب‏ می‏شناخت که باسرع وقت دست به تلافی بزند و معارض او را تنبیه نماید.گاهی چنین‏ واقع می‏شد که نزاع بین دو چوپان یا دو گروه از چوپانان از دو ارباب مختلف وقوع‏ می‏یافت.تصفیه حساب در اینگونه نزاعها بیشتر به هنگامی صورت می‏گرفت که‏ گوسفندان طرف منازع در راه رسیدن به‏"خیل‏"پا به بازگشت به چراگاههای‏ زمستانی از"ده کنار" deh kenar یعنی مرزهای سنگسر می‏گذشتند.طرف دیگر با گرد آوردن بستگان و دوستان و"کرد گل‏"خود با چوب و چماق و قدارا gadda?ra? یعنی قمه بر آنها می‏تاختند و جنگ سخت در می‏گرفت.

ارباب،در"خیل‏"معمولا در خوردن‏"چاشت‏"یعنی غذای ظهر تا چوپانان بر سر یک سفر می‏نشست و ضمن خوردن ناهار دربارهء گوسفندان،چراگاه،مسائل مربوط به خیل و غیره با آنان به گفتگو و رای‏زنی می‏پرداخت.انتقال عیال و اطفال‏ چوپانان به خیل را،صاحبان گله‏ها خود بر عهده می‏گرفتند و همانگونه که در مقاله‏ "ساختار خیل‏"آورده‏ام،و احتیاجات آنها را از آرد و برنج و گوشت و لبنیات براساس‏ سخن گذشته تأمین می‏کردند و در بازگشت به سنگسر نیز هزینهء سفر آنها را خود بر عهده داشتند.

علاوه بر پشم بره که بر مبنای‏"ده یک‏"به چوپانان پشم چین داده می‏شد چند"گونده‏" gunda یعنی پشم به هم پیچیده یک گوسفند به هنگام پشم‏چینی،نیز به رایگان در اختیار چوپانان علاقه‏مند گذاشته می‏شد تا زنان و دختران آنان به رشتن آن‏ سرگرم شوند و به موقع در اواخر پاییز یا در زمستان آنرا در کارگاههای خانگی به‏ صورت‏"پش شوال‏"پارچه پشمی مخصوص شلوار که به رنگ سرمه‏ای سیز رنگ زری‏ می‏شد،یا انواع برک و پارچه‏های پشمی گوناگون دیگر مانند"سرگیرا" sar gira? چادر مخصوص زنان سنگسری،بر حسب احتیاج خود درآورند،همچنانکه پیش از این‏ در گفتاری دیگر آورده‏ام،صاحبان گله‏ها،هزینه‏های مربوط به گوسفندان متعلق به‏ چوپانان لایق خود را در خیل،شخصا به عهده می‏گرفتند.علاوه بر آن سالی یک یا دو بزعاله یا بره ماده به آنها هدیه می‏کردند و چنان بود که پس از گذشت حداکثر شش‏ هفت سال چوپانان خود صاحب رمه‏ای می‏شدند و بدینگونه تعادل کامل از نظر تقسیم‏ ثروت در میان گله‏داران سنگسری برقرار می‏شد.چوپانها که خود صاحب گله می‏شدند تا بدانجا که تعداد گوسفندان نشان از نظر گنجایش چراگاهها اجازه می‏داد نزد ارباب‏ خود ماندند.گرچه از این پس در وضع کاملا برابر بودند.

پیمان‏کار میان گوسفندداران سنگسری و چوپانانشان به درازای یک سال بسته‏ می‏شد که آغاز و پایان آن روز سی‏ام ماه‏"سیام‏" Sayamo سنگسری بود که‏"نر" nar یا"نرون‏" naru?n نام دارد که همان‏"انیران یعنی سی‏امین روز ماههای ایران‏ باستان به معنی بی‏پایان است.

در این روز که معمولا پایان دورهء چادرنشینی سالانهء سنگسریها بود یا چند روز پس از آن بسته به توافق که در آیین‏"شمار"به عمل آمده بود،باشندگان هر خیل‏ گوسفندان متعلق به خود را از گله‏های خیل جدا نموده و امور آنها را شخصا به عزم‏ بازگشت به سوی چراگاههای زمستانی بر عهده می‏گرفتند،و پیمان چوپانان نیز در همان رو پایان می‏پذیرفت و می‏توانستند به گله‏داران دیگر بپیوندند یا با"مواجب‏" بیشتر و شرایط بهتر که به کلیات آن در گفتار ساختار خیل سنگسری اشاره کرده‏ایم و از پیش بر روی آن توافق به عمل می‏آمد تجدید می‏شد.سنگسریها دوست نداشتند چوپانان لایق و کارآمد خود را از دست بدهند و می‏کوشیدند آنها را تا سالیان دراز نزد خود نگهدارند تا جائی که خود صاحب گله شده باشند.

گاهی چنین پیش می‏آمد که گله‏داران با پیشنهاد و شرایط بهتر چوپانهای کار کشته را به سوی خود می‏کشیدند که این خود باعث‏"کشتر پشتر" Kashtar pashtar یعنی اختلاف و نزاع طولانی‏"میان گله‏داران می‏شد که ذیلا از آن گفتگو خواهیم‏ داشت.

چوپانهایی که مایل به تجدید پیمان خود نبودند روز پیش از"نر" nar این بیت‏ را زمزمه می‏کردند:امشو نره-م سال سره amshonarah-masa?l sarah یعنی امشب‏ رنیران است-و پیمان کار سالانهء من پایان یافته است.

در شرایط بسیار نادر چنین پیش می‏آمد که چوپانان جوان و گستاخ وظایف‏ خود را آنچنانکه بایسته بود انجام نمی‏دادند.مثلا بر اثر غفلت آنها تعدادی از گوسفندان‏ از گله جدا شده به بیراهه می‏رفتند و طعمهء گرگ و لاشخورها می‏شدند یا از"سل‏" sol یعنی پرتگاه صخره‏ها سقوط می‏کردند یا به نقاطی که دارای علفهای زهرآگین و بیماری‏ زا بود می‏رفتند و تعدادی تلف می‏کردند و"پیجار" peyja?r یعنی پای‏افرز آنها را که‏ بیشتر اوقات وسیلهء گله‏داران تأمین می‏شد،به عنوان تنبیه از آنها می‏گرفتند و رهایشان‏ می‏کردند تا بهرجائی که مایلند بروند و دیگر در انتظار پایان قرارداد نمی‏نشستند.

کشتر پشتر Kashtar Pashtar

در زبان سنگسری هریک از این دو واژه به تنهایی بدون مفهوم است اما اگر با هم به کار گرفته شود به معنی‏"منازعه و جنگ و جدال یا اختلاف دیرپای‏"است.

اختلافاتی که میان سنگسریها به زمان‏"خیل‏نشینی‏"روی می‏داد بیشتر مربوط به موضوع چوپانان و چراگاهها بود.بارها اتفاق می‏افتد که گله گوسفندان یک خیل به‏ چراگاه خیل دیگر تجاوز می‏کردند و با"کلپیچ‏" Kalpich یعنی‏"پرتاب چوب دست‏" به میان آنها و داد و فریاد رمانده شده تا مسافتی تعقیب می‏شدند،در نزد سنگسریها رماندن گله به عمد و بدینگونه غیر قابل بخشش و گذشت بود و پاسخ قهرآمیز به دنیال‏ داشت.اگر ساکنان خیلهای هم مرز دوستی دیرینه یا خویشاوندی داشتند موضوع را با آشتی دادن چوپانها حل و فصل می‏کردند وگرنه کار به‏"کشتر پشتر" Pashtar